

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

مصعب بن عمیر؛ سفیر ایمان و معمار تحول مدینه!

(ترجمه)

ملت‌های بزرگ تنها آن‌هایی نیستند که قدرت نظامی و ثروت در اختیار دارند؛ بلکه ملت‌های بزرگ، آن‌هایی‌اند که انسان را می‌سازند. وقتی صفحات تاریخ و سیرت نبوی را می‌خوانیم، می‌بینیم که بزرگترین دگرگونی‌ها نه با لشکری انبوه آغاز شد و نه با قصرهای بلند؛ بلکه با قلب مؤمنی آغاز گردید که نور وحی را در سینه داشت و آن را در میان مردم می‌برد. یکی از روشن‌ترین نمونه‌های این حقیقت، داستان صحابی بزرگوار، مصعب بن عمیر رضی الله عنه است؛ جوانی که ناز و نعمت و ثروت را پشت سر گذاشت و از مکه بیرون شد؛ نه طلایی با خود داشت و نه قدرتی، بلکه قرآنی با خود داشت که تلاوت می‌کرد، ایمانی که قلبش را پر کرده بود و یقینی استوار که الله سبحانه و تعالی دین خود را یاری می‌کند؛ هر چند پس از مدتی.

یثرب در آن روزگار شهری بود که در موجی از کشمکش‌های قبیله‌ای می‌جوشید؛ جنگ‌ها آن را فرسوده ساخته بود و تعصب‌های قبیله‌ای رمقش را گرفته بود. وفاداری‌های مردمش میان اوس و خزرج تقسیم شده بود تا آنجا که گویی سرزمینی بود که یکجا شدن بر یک سخن واحد، دشوار می‌بود. اما رسول الله صلی الله علیه وسلم در همین شهر، آینده دعوت را دید؛ پس مصعب بن عمیر رضی الله عنه را به عنوان سفیر، آموزگار و دعوتگر به آنجا فرستاد. مصعب رضی الله عنه با آرامش وارد یثرب شد. نه در بازارها صدای خود را بلند کرد، نه عقیده‌اش را بر کسی تحمیل نمود و نه خود را درگیر مجادله‌های بی‌حاصل ساخت؛ بلکه در کنار مردم می‌نشست و آیات قرآن را برایشان تلاوت می‌کرد.

او به‌خوبی می‌دانست که دل‌هایی را که سختی‌های دنیا فرسوده است، جز کلام آسمانی درمانی نیست و جان‌هایی را که تاریکی جاهلیت بر آن‌ها سایه افکنده است، جز نور وحی روشن نخواهد ساخت. یکی از بزرگترین صحنه‌های دعوت او، برخوردش با بزرگان قوم بود. اُسَید بن حُضَیر خشمگین آمد تا او را از شهر بیرون کند؛ سپس سعد بن معاذ نیز با همان موضع نزد او آمد. اما مصعب رضی الله عنه خشم را با خشم پاسخ نداد و تندی را با تندی روبه‌رو نساخت؛ بلکه آن سخن ماندگارش را گفت: «آیا نمی‌نشینم تا بشنوی؟».

این، اعتماد یک دعوتگر به پروردگار و پیام خویش است و یقین او به این حقیقت که هرگاه حق به قلب سالم برسد، در آن جای می‌گیرد. بزرگان قوم نشستند تا بشنوند؛ ناگهان قرآن در چند لحظه، آنچه را سال‌ها عادت‌ها و سنت‌های جاهلی ساخته بود، فرو ریخت. هنوز مصعب رضی الله عنه تلاوت خود را پایان نداده بود که جان‌ها دگرگون شد و دل‌ها نرم گردید؛ اُسَید بن حُضَیر اسلام آورد و پس از او سعد بن معاذ نیز مسلمان شد؛ مردی که اسلام آوردنش، گشایشی برای تمام مدینه بود. راز این دگرگونی تنها در شخصیت اُسَید و سعد نبود؛ بلکه در روشی بود که مصعب رضی الله عنه در پیش گرفته بود. او دریافته بود که تغییر جامعه از تغییر دل‌ها آغاز می‌شود و سخن راستین، اگر از دلی صادق برآید، از شمشیر نیرومندتر است. از همین‌رو، او مدینه را با زور ننگشود؛ بلکه با قرآن گشود. بر مردم پیروز نشد؛ بلکه برای نجات مردم پیروز گردید و آنان را از تاریکی‌های جاهلیت به سوی نور ایمان بیرون آورد. روزها چنین گذشت؛ خانه‌های مدینه که دیروز گرفتار تعصب‌های قبیله‌ای بود، از یاد الله سبحانه و تعالی آکنده شد و قبایلی که جنگ‌ها فرسوده‌شان ساخته بود، بر محور یک عقیده گرد آمدند تا آنکه جامعه برای استقبال از رسول الله صلی الله علیه وسلم به عنوان مهاجر به آن سرزمین، آماده گردید. مصعب بن عمیر رضی الله عنه بزرگترین دگرگونی را در تاریخ مدینه رقم زد؛ زیرا او فهمیده بود که دعوت، نه با زیادی پیروان است و نه با هیاهوی شعارها؛ بلکه با صداقت در برابر الله سبحانه و تعالی، حکمت در سخن گفتن با مردم، شکیبایی در مسیر و اعتماد به این حقیقت که قرآن توان آن را دارد که انسان را تغییر دهد و سپس تاریخ را دگرگون سازد.

امروز امت ما چه قدر نیازمند آن است که این درس بزرگ را دوباره زنده سازد؛ زیرا تغییر حقیقی از قصرها آغاز نمی‌شود، بلکه از دل‌ها آغاز می‌گردد و آن را فریاد و هیاهو نمی‌سازد، بلکه سخن مؤمنانه‌ای می‌سازد که از قلبی مخلص بر می‌خیزد و به اذن الله سبحانه و تعالی به دل‌ها راه می‌یابد.

مصعب رضی الله عنه در روز اُحد شهید شد؛ اما برای امت درسی جاودانه به جا گذاشت: این‌که اگر یک مرد با الله سبحانه و تعالی صادق باشد، می‌تواند سبب هدایت یک شهر کامل گردد و دعوت‌گری که قرآن را با اخلاص حمل می‌کند، می‌تواند دگرگونی‌هایی بیافریند که لشکرها و ثروت‌ها از انجام آن ناتوان‌اند. چنین است که نام مصعب بن عمیر رضی الله عنه همواره گواه این حقیقت می‌ماند: بزرگترین پیروزی‌ها از یک سخن آغاز می‌شود، بزرگترین فتح‌ها از قلبی مؤمن سرچشمه می‌گیرد و هرگاه نور ایمان در جان‌ها جای گیرد، از مستضعفان رهبر می‌سازد و از شهرهای پراکنده، امتی پدید می‌آورد که پیام آسمان را به جهانیان می‌رساند.

نویسنده: مؤنس حمید

مترجم: پارسا امیدی